



کتابخانه
تخصصی
ادبیات

پژوهشگر ارجمند

برخی از صفحات کتاب حاضر (شناسنامه، فهرست و تعداد کمی از صفحات آغازین کتاب) برای استفاده بهتر و آشنایی بیشتر شما با کتاب بارگذاری شده است.

بدیهی است به دلیل رعایت حقوق مولف و ناشر تمام صفحات کتاب در دسترس نخواهد بود.

(متر کمال)



حمدانته بن ابوبکر بن حمدانته
مستوفی قزوینی
(بسال ۷۴۰ هجری قمری)

سررشته‌های الطاهر

داشنامه

تصحیح
میرهاشم محدث

جلد اول



دانشنامه

حمدالله بن ابوبکر بن حمدالله مستوفی قزوینی

(به سال ۷۴۰ هجری قمری)

تصحیح

میرهاشم محدث



انتشارات سفیر اردبیل

سرشناسه	: حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابوبکر، قرن ۸ق
عنوان و نام پدیدآور	: نزهة القلوب (متن کامل) // تألیف حمدالله بن ابوبکر بن حمدالله مستوفی قزوینی (به سال ۷۴۰ هجری قمری)؛ تصحیح میرهاشم محدث
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات سفیراردهال، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	: ج ۲
فروست	: مجموعه‌ی تاریخ علم، فرهنگ و تمدن دوره اسلامی
شابک	: دوره: ۲ - ۵۱۹ - ۳۱۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸؛ ج: ۱ - ۸ - ۵۱۷ - ۳۱۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸؛ ج: ۲ - ۵ - ۵۱۸ - ۳۱۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: ج: ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۶) (فیبا)
یادداشت	: بالای عنوان: دانش‌نامه
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: جغرافیا - متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: Geography -- Early works to 20th century
موضوع	: نشر فارسی - قرن ۸ق
موضوع	: Persian prose literature -- 14th century
موضوع	: ایران - جغرافیا
موضوع	: Iran -- Georaphy
شناسه افزوده	: محدث، میرهاشم، ۱۳۳۱، مصحح
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۶/۹۴۳ G۹۳
رده‌بندی دیوبی	: ۹۱۰/۹۱۷۶۷۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۲۷۴۵۹



نزهة القلوب

جلد اول

حمدالله بن ابوبکر بن حمدالله مستوفی قزوینی
به تصحیح میرهاشم محدث
از مجموعه تاریخ علم، فرهنگ و تمدن دوره اسلامی/ ۳۱
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

صفحه‌آرایی و طراحی جلد: واحد آماده‌سازی انتشارات سفیر اردهال
لیتوگرافی: نویس ♦ چاپ: زمزم ♦ صحافی: معصومیه

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه ♦ شماره نشر: ۵۷۹ - ۱
بهای دوره ۲ جلدی: ۱۲۲۰۰۰ ریال

© حق چاپ: ۱۳۹۶، انتشارات سفیر اردهال www.safirardehal.ir

شابک دوره: ۲ - ۵۱۹ - ۳۱۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸
شابک جلد اول: ۸ - ۵۱۷ - ۳۱۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

نشانی دفتر: تهران، خیابان مفتح، خیابان سمیه، روبه روی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴
تلفن مرکز پخش: ۸۸۳۱۹۳۴۲ - ۸۸۳۱۳۸۹۸ کد پستی: ۱۵۸۱۸ - ۷۴۷۱۵ email: safirardehal@yahoo.com
این کتاب با حمایت مادی و معنوی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

تقدیم به همسرم

سرکار بانو شهرزاد سپاهیان

که بعد از پدر و مادرم، بیشترین حق را برگردن من دارد

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

سخنی با خوانندگان

انتشارات سفیر اردهال در نیمه دوم سال ۱۳۸۵ به ثبت رسید و از همان آغاز فعالیت خود را در زمینه چاپ و نشر کتاب آغاز نمود. چاپ بیش از ۴۰۰ عنوان کتاب در موضوعات مختلف، حاصل تلاش ما و همکارانمان در این مدت بوده است.

معرفی و شناساندن فرهنگ و تمدن ایران و نشر آثار نویسندگان و مترجمان و تولید و احیای آثار علمی و قابل استفاده برای جامعه فرهنگی از دغدغه‌های اصلی این انتشارات و اهداف بلند مدت ما می‌باشد.

گذشت زمان و تجربه چندین سال فعالیت در نشر کتب عمومی و مواجه شدن با مخاطبان و شناسایی ذائقه آن‌ها، ما را بر آن داشت تا حوزه‌های تخصصی را در تولید آثار دنبال کنیم.

وجود مشکلات زیاد در سبک زندگی مدرن و تهدیداتی که سلامت جسم و جان مردم را نشانه رفته، باعث شد تا با تولید کتاب‌هایی در زمینه طب سنتی، طب مکمل و تغذیه، حداقل وظیفه خود را به بهبود این وضعیت به انجام رسانیم.

از سال ۱۳۸۹ به بعد در حوزه تخصصی طب سنتی و تغذیه به فعالیت خود ادامه داده و با تولید آثار تالیفی و ترجمه‌ای تلاش نمودیم تا خلأهای موجود را در عرصه فعالیت‌های فرهنگی، هر چه بیشتر اصلاح نماییم.

طب سنتی دارای منابعی بسیار غنی در آثار دانشمندان صاحب نامی چون ابن سینا، رازی، جرجانی، عقیلی خراسانی و... است. وجود چنین منابعی، ما را بر آن داشت تا در حوزه نسخ خطی و متون کهن وارد شده و به ترجمه، تصحیح و چاپ این گونه آثار حتی در مواردی به صورت فاکسیمیله پردازیم.

از سال ۱۳۹۱ به بعد، فعالیت انتشارات به سوی چاپ و احیای نسخ خطی در شاخه‌های مختلف مخصوصاً طب و پزشکی معطوف شد.

حضور همکاران و کارشناسان متعهد و با تجربه، اشتیاق و عطش ما را در تولید این آثار بیشتر نمود و حرکتی عظیم و با قدرت در این زمینه فراهم گردید. استفاده از تکنولوژی چاپ دیجیتال، ما را در پیشبرد این اهداف یاری بیشتری رساند. عبور از مانع بزرگ گرانی کاغذ و فشارهای اقتصادی در حوزه چاپ و نشر حاصل همین انتخاب بود. مجموعه‌های بسیاری در حوزه متون و نسخ خطی کلید خورد که به اختصار به برخی آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- مجموعه دواء و درمان در روزگاران کهن

این مجموعه مختص احیای متون پزشکی دوره اسلامی است که عمدتاً تصحیح شده و یا بخش کمی از آن به صورت فاکسیمیل منتشر می‌شود، و تا به حال نزدیک به ۴۵ عنوان از مجموعه مزبور به چاپ رسیده است.

قابل ذکر است که این روند در تولید و احیای آثار در حال انجام است، و مجموعه‌هایی جدید در سال ۱۳۹۳ اضافه گردید که می‌توان به آن‌ها اشاره نمود:

ترجمه‌ای جدید از کتاب قانون در طب، تصحیح کامل کتاب ذخیره خوارزمشاهی در ۶ جلد، فهرست نسخ پزشکی دوره اسلامی در کتابخانه‌های جهان در ۶ جلد، چاپ بیش از ۱۰ اثر به صورت فاکسیمیل و تصحیح و چاپ حروفی کتاب‌هایی چون مخزن الادویه، قرابادین کبیر، قرابادین اعظم، اکسیر اعظم، رموز اعظم و....

۲- تذکره‌های فارسی

در این مجموعه، تذکره‌های شاعران و دانشمندان و علما به زبان فارسی منتشر می‌شود که عمدتاً تصحیح و به ندرت ترجمه و تدوین هستند. هدف این مجموعه غنا بخشیدن به کتب

تراجم و تذکرة‌های مشاهیر شعرا و علماست. از این مجموعه تاکنون ۱۰ جلد به چاپ رسیده است.

۳- مجموعه تاریخ علم، فرهنگ و تمدن دوره اسلامی

در این مجموعه تاکنون ۳۰ عنوان کتاب به چاپ رسیده که کتاب حاضر (نزهةالقلوب) به تصحیح میرهاشم محدث، سی و یکمین شماره از همین مجموعه می باشد که امید است مورد توجه خوانندگان قرار گیرد.

۴- مجموعه اسناد ایرانی

۵- مجموعه آثار ابن سینا

از این مجموعه تاکنون ۷ جلد آن به صورت فاکسیمیل به چاپ رسیده که بقیه مجلدات دیگر به لطف خدا و دلگرمی و مساعدت مسئولین در حال انجام است. امیدواریم بتوانیم گامی هر چند کوچک در زمینه احیای نسخ خطی برداریم.

سید حسین عابدینی

مدیر مسئول انتشارات سفیراردهال

فهرست مطالب

پیش گفتار	۱۳
مقدمه (در ذکر ترتیب ابداع افلاک و انجم و عناصر و مایتهای بذلک من الآثار العلویة والسفلیة).....	۱۰۷
باب اول (بر تواریخی که ایرانیان بر آن عمل می کنند).....	۱۸۹
باب دوم (در تواریخی که در ایران عملی نیست).....	۲۳۱
در ذکر ربع مسکون و شرح طول و عرض اقالیم سبعة و اطراف آن	۲۶۴
مقاله اول: در ذکر تکوین موالید ثلاثه که معادن و نبات و حیوان است	۲۷۵
مرتبه اول (در معدنیات)	۲۷۹
مرتبه دوم (در نباتات)	۳۲۲
صورت اول (در ذکر اشجار مثمره)	۳۲۵
صورت دوم (در ذکر اشجار آزاد و غیرمثمره)	۳۵۱
شکل دوم (در نجوم)	۳۶۲
الادویه	۳۸۲
المشمومات	۴۱۱
السایره	۴۱۸
مرتبه سیوم (در ذکر حیوانات)	۴۲۱
وجه اول (در ذکر حیوانات بری)	۴۲۳

۴۳۴.....	وجه دوم (در ذکر حیوانات وحشی)
۴۵۲.....	وجه سیوم (در ذکر سباع ضاره)
۴۶۲.....	وجه چهارم (در ذکر هوام و سوام)
۴۷۶.....	وجه پنجم (در ذکر حیوانات که بعضی اعضاءشان به آدمی مانند)
۴۷۹.....	نوع دوم (در ذکر حیوانات بحری)
۴۹۱.....	نوع سیوم (در ذکر حیوانات هوائی)
۵۲۷.....	مقاله دوم (در ذکر نوع انسان)
۵۴۱.....	نظر اول (در شرح کیفیت اعضای انسانی و قوا و فواید آن)
	صفت اول (در شرح کردن کیفیت اعضا و دانستن ترکیب خلقت صورت و معنی اعضا و
۵۴۱.....	اجزای انسان)
	صفت دوم (در ذکر قوای انسانی که حق تعالی آن را در وجود آدمی جهت قوام
۵۸۱.....	بدن آفریده)
	صفت سیوم (در ذکر خواص و فواید اعضا و جوارح انسان که هیچ حیوانی را با انسان در
۵۹۰.....	آن شرکت نیست)
۵۹۷.....	نظر دوم (در اخلاق)
۶۸۹.....	نظر سیوم (در صفات و آثار نفوس قدرت ربانی در وجود انسان)
۶۹۶.....	نظر چهارم (در عشق اولی و طلب مولی که کمال نفس انسانی است و مقصد مقصود یزدانی)

پیش گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي تحيّر في عجائب صنعه افكار الحكماء،
وقصّر عن معرفة بدايع خلقه افهام العقلاء،
مميز الانسان بالعلم والحكم، خالق الصحة والسّقم،
والصلوة والسّلام على سيد العرب والعجم، ابي القاسم
محمد المصطفى النبيّ الخاتم، ووصيّهِ ووزيرهِ على
امير المؤمنين و ذريته الاحد عشر، سادة البشر و قادة
الامم، و اصحابه الذين هم مفاتيح العقد و مصابيح
الظلم.

دوران تسلط وحشیان مغول یکی از تاریک ترین ادوار تاریخی اجتماعی ایران است، با این وجود یکی از درخشان ترین و شکوفاترین اعصار از جهت خلق آثار تاریخی است. شاهکارهای تاریخی و جغرافیائی که در این مقطع زمانی آفریده شدند کم نیستند. جامع التواریخ، تاریخ جهانگشای جوینی، مجمع الانساب شبانکاره‌ای،

تاریخ بناکتی، تاریخ گزیده، ظفرنامه، نزهة القلوب، نظام التواریخ، تاریخ و صاف، غازان نامه نورالدین بن شمس الدین محمد همه در این دوره نوشته شده‌اند.

شرح حال حمدالله مستوفی

کتب و منابعی که شرح حال حمدالله مستوفی را نوشته‌اند نوعاً کلیشه‌ای و تکراری است و کسی حرف تازه‌ای درباره‌ او ننوشته. این که سلسله نسبش به حربن یزید ریاحی می‌رسد و اجدادش مقامات لشکری و حکومتی بوده‌اند دردی از خواننده را دوا نمی‌کند.

اکثراً نام او را حمدالله بن ابوبکر بن حمدالله مستوفی قزوینی نوشته‌اند. استاد فقید دکتر عبدالحسین نوائی در مقدمه تاریخ گزیده حدس زده‌اند که شاید نام او «حمد» بوده باشد و «ترکیب حمدالله به هیچوجه مشابه سایر اسامی مردم آن زمان نیست».^۱ که دلیل معقولی به نظر نمی‌رسد و استاد فقید ایرج افشار هم آن حدس را مردود دانسته‌اند.^۲

علامه فقید شیخ آغا بزرگ طهرانی در الذریعة هر سه کتاب مستوفی را معرفی فرموده‌اند. در جلد بیست و هشتم حرف گاف مرقوم فرموده‌اند: «گزیده مر بعنوان تاریخ گزیده» و در جلد سوم که حرف «تا» است مرقوم فرموده‌اند: «تاریخ گزیده لحمدالله بن اتابک بن حمد المستوفی القزوینی». در حرف «ظا» که ظفرنامه را معرفی فرموده‌اند نوشته‌اند: «حمدالله بن ابی بکر احمد بن نصر المستوفی». اما در جلد بیست و چهارم ذیل نزهة القلوب مرقوم فرموده‌اند: «حمدالله بن اتابک بن حمد المستوفی». و در طبقات اعلام الشیعه مرقوم فرموده‌اند: «حمدالله بن اتابک (ابی بکر خ. ل.) بن احمد بن نصر المستوفی». از نه نسخه‌ای هم که اساس این تصحیح است (هشت نسخه خطی و

۱. مقدمه تاریخ گزیده، ص ۱۸.

۲. ذیل تاریخ گزیده، ص ۸.



یک نسخه چاپی) و در صفحات آینده معرفی می‌شوند، دو نسخه: «حمدالله بن ابوبکر بن حمد مستوفی قزوینی» و یک نسخه: «حمدالله بن ابی بکر بن احمد المستوفی القزوینی» و دو نسخه: «حمدالله بن ابی بکر بن حمد مستوفی القزوینی» و یک نسخه: «رحمة الله بن اتابک بن حمدالله المستوفی القزوینی» و سه نسخه: «حمدالله بن ابی بکر بن حمدالله المستوفی القزوینی» نوشته‌اند. استاد سعید نفیسی هم «حمدالله بن ابوبکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی» دانسته‌اند.^۱

از آنجا که او ظفرنامه را در سال ۷۳۵ هجری قمری و در چهل سالگی سروده است و در آنجا می‌گوید که پانزده سال برای سرودن این کتاب زحمت کشیده، پس می‌توان نتیجه گرفت که در ۶۸۰ هجری قمری به دنیا آمده است.

چو سالم در آمد به حد چهل

خرد گشته شاهنشاه ملک دل

بکوشیدم از عون پروردگار

بگفتم چنین نامه نامدار

کشیدم در این پانزده سال رنج

بگفتم سخن پانزده بار پنج

زهجری شده هفصد و سی و پنج

بر از رنج این نامه‌ام بود گنج

کتاب ظفرنامه کردم تمام

ز مابریم بر درود و سلام^۲

۱. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ص ۱۴۴.

۲. ظفرنامه، ص لب.

سال وفات مستوفی معلوم نیست. علامه شیخ آغا بزرگ طهرانی و استاد عباس اقبال آشتیانی سال ۷۵۰ هجری قمری را سال وفات او دانسته‌اند که چون مستند به سندی نیست مورد قبول اهل علم قرار نگرفته است.

استاد عزیز در گذشته دکتر عبدالحسین نوائی در مقدمه تاریخ گزیده درباره مستوفی مرقوم فرموده‌اند: «اما راجع به شخص حمدالله مستوفی تنها می‌دانیم که از ابتدای جوانی بر سیره آباء و اجدادی «به شیوه عمل پیشگی» یعنی خدمات دولتی اشتغال ورزیده و چند بار جامع الحساب ممالک نوشته و سفرهای متعدد به تبریز و شیراز و اصفهان نموده و مدتی نیز در بغداد سمت «تقریر اموال» داشته و مهمترین مشاغل وی «حکومت تومان قزوین و ابهر و زنجان و طارمین» بوده است و این حکومت وی در سال ۷۱۱ صورت گرفته یعنی همان سالی که سعدالدین آوجی وزیر به قتل رسیده و خواجه رشیدالدین فضل‌الله در کار خویش استقلال تمام یافته و کلیه حکام ولایات را از هواداران خود انتخاب نموده^۱ و به اصطلاح صاحب تاریخ گزیده: «به هر ملک امینی مقبول القول فرستاده است»^۲.

آرامگاه مستوفی هنوز هم در شرق قزوین در بنائی کهن معروف به «گنبد دراز» باقی است.

علامه فقید شیخ آغا بزرگ طهرانی در اثر جاودانه خود طبقات اعلام الشیعة حمدالله مستوفی را چنین معرفی فرموده‌اند: «و هو حمدالله بن اتابک (ابی بکر، خ.ل.) بن احمد بن نصرالمستوفی القزوینی (م حدود ۷۵۰) من اکبر المؤرخین والشعراء الحماسیین فی عهدالمغول و معاصر رشیدالدین فضل‌الله و ابنه غیاث‌الدین محمد، و السلطان اولیجایتو و

۱. همین عادت که لله الحمد امروز هم بعد از هفتصد سال هنوز در جامعه ایران برقرار است و امروزه به «کابینه‌های اتوبوسی» معروف است.

۲. مقدمه تاریخ گزیده، ص ط.



ابوسعید بهادر. له: «تاریخ گزیده» فرغ من حدود ۷۳۰، و منظومه «ظفرنامه» نظمیه فی ذیل شاهنامه للفردوسی الطوسی فی ۷۵ الف بیت علی بحر التقارب، و هی زنة الحماسیات الفارسیة. اخبر عنه فی اول کتابه «تاریخ گزیده» ص ۵ من طبعة لیدن ۱۹۱۰ و توجد نسخة منها فی بریتیش موزیوم کما فی ذیل فهرسته (ریو، ص ۱۷۲-۱۷۴) فرغ من نظمیه ۷۳۵ بعد خمس عشرة سنة. و کان قد شرع فیه و هو ابن اربعین سنة و جعله فی ثلاثة اقسام: ۱- تاریخ العرب و سمّاه «اسلامی» فی ۲۵ الف بیت ۲- تاریخ الفرس بعدالاسلام و سمّاه «احکام» فی ۲۰ الف بیت، ۳- تاریخ المغول و سمّاه «سلطانی» فی ۳۰ الف بیت. وله: «نزهة القلوب» فی الجغرافیا، فرغ منه ۷۴۰. ذکر فیه انه من احفاد حرّ الریاحی بثمانی عشر واسطة و هو الذی التحق بالحسین من معسکر الامویین واستشهد معه یوم عاشورا، و اورد فیه فضایل الکوفة والکربلا بعد مکة و المدينة. و ذکر احادیث فی فضل زیارة الحسین فی اول رجب. و آرائه الفلسفیه تدل علی تشیعیه. هذا و فی قرن الحادی عشر نرى عائلة صاحب «الوسایل» محمد بن الحسن ایضاً ینتسبون الی الحرالریاحی هذا»^۱.

مستوفی در نزهة القلوب در چند مورد به احوال خود اشاره می کند:

۱- بعضی از «گون» بلند می باشد چنان که سایه دهد. و من در جابلق دیدم چنان که مرد در او می رفت و نمی شکست.^۲

۲- و من این حال را معاینه دیدم که در تبریز طاق بزرگ مسجد وزیر خواجه تاج الدین علی شاه در چرنداب بیفتاد و زمین سرخاب نیز جنبان شد و مسافت میان ایشان زیاده از دو هزار گز بود.^۳

۳- و عبدالله اوحدی گوید: «بعضی حکما بر آن اند که به طرف جنوب پیوسته دریا باز

۱. الحقایق الراهنة فی المائة الثامنة، ص ۶۳.

۲. کتاب حاضر، ص ۳۵۸.

۳. کتاب حاضر، ص ۲۶۱.

می نشیند و زمین و خشکی می فزاید، و در طرف شمال، زمین خشک داخل دریا می شود چنان که در هر ده سال یک فرسنگ زمین از این بدان نقل می شود و لایزال بر این صورت است». و این ضعیف می گوید که این سخن را اکابر حکما به براهین معتبر جواب گفته و باطل گردانیده اند.^۱

۴- و من در حله چنین مردی دیدم که به پا خیاطت کردی.^۲

۵- به چند نوبت که جامع الحساب ممالک نوشتیم.^۳

۶- و من در بغداد به وقت آن که تقریر اموال آنجا می کردم نسخه ای قانونی دیدم.^۴

۷- و به ظاهر آن (قبر امام حسین علیه السلام) قبر هژدهم جدم حر ریاحی است.^۵

۸- نسخه ای دیدم به خط پدر جدم امین الدین نصیر مستوفی که در عهد سلاجقه مستوفی دیوان عراق بوده.^۶

۹- و من آنجا (همدان) رسیدم شب آدینه بود.^۷

۱۰- در سنه احدى عشر و سبع مائه هجرى به فرمان اولجاتیو سلطان به اتفاق مهندسان،

بلندی آن کوه (کوه بیستون) را گز نمودیم.^۸

آثار و تألیفات حمدالله مستوفی

از این دانشمند بزرگ - که به قول استاد دکتر احسان اشراقی بزرگترین عالم زمان

خود بوده است - آثار بسیار ارزشمندی به جا مانده که عبارتند از:

۱. کتاب حاضر، ص ۲۷۲.

۲. کتاب حاضر، ص ۱۰۸۵.

۳. کتاب حاضر، ص ۷۶۴.

۴. کتاب حاضر، ص ۷۶۷.

۵. کتاب حاضر، ص ۷۷۰.

۶. کتاب حاضر، ص ۷۸۹.

۷. کتاب حاضر، ص ۹۶۳.

۸. کتاب حاضر، ص ۹۶۵.



۱- تاریخ گزیده: تاریخ عمومی جهان است تا سال ۷۳۰. این کتاب یکی از منابع مهم تاریخی است که تاکنون چند نفر آن را تصحیح و چاپ کرده‌اند. بهترین چاپ آن چاپی است که توسط استاد دکتر عبدالحسین نوائی در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی توسط انتشارات امیرکبیر منتشر و تاکنون چندبار افست شده است. اخیراً چاپ جدیدی از این کتاب توسط دانشمند محترم جناب آقای محمد روشن به بازار عرضه شده است. در ابتدای مقدمه آقای روشن مرقوم فرموده‌اند به پیشنهاد مرحوم ایرج افشار این کار را کرده‌اند، اما از اختلاف کار خود با دکتر نوائی هیچ توضیحی نداده‌اند. این چاپ را با چاپ دکتر نوائی سنجیدم. نه تنها مزیتی بر چاپ دکتر نوائی ندارد بلکه اعتبار چاپ آن مرحوم را مضاعف کرده است. وقتی کتابی پس از شصت سال از چاپ قبلی توسط فرد دیگری تصحیح می‌شود لااقل بایستی توفیری داشته باشد که این چاپ جدید ندارد.

در میان کتب خطی مرحوم پدرم نسخه خطی خوانائی از تاریخ گزیده بود که سالها پیش آن را با چاپ دکتر نوائی مقابله کردم. اضافات ارزشمندی دارد، اما خودم فرصت نکردم آن اضافات را به صورت مقاله‌ای منتشر کنم تا اگر احیاناً محقق دیگری خواست این کتاب را چاپ جدیدی کند به کارش بیاید. امیدوارم محقق جوانی این کار را بکند، یا اگر فرد دیگری خواست چاپ جدیدی از تاریخ گزیده انجام دهد، حتماً این نسخه یکی از نسخ مورد استفاده‌اش باشد.

همان‌طور که گفته شد، علامه شیخ آغابزرگ طهرانی در الذریعة (جلد سوم حروف تا) مرقوم فرموده‌اند: «تاریخ گزیده. فارسی. لحمدالله بن اتابک بن حمدالمستوفی القزوينی المتوفی سنة ۷۵۰ صاحب «نزهة القلوب» المذكور فيه فضل زیارة اول رجب کما یأتی وان کان قد عدّه فی انساب النواصب من العامة کما عدّیه هشام الکلبی من الشافعية المختص بمذهبن بتصریح النجاشی».



مستوفی در همین کتاب نزهةالقلوب دو بار از این کتاب خودش یاد کرده و نوشته: «اکنون از وقایع بزرگ که از عهد رسول - صلی الله علیه و آله وسلم - تاکنون ظاهر شده و در کتاب گزیده شرح کرده‌ام شمه‌ای بر سیل ایجاز و اجمال یاد کنیم».^۱ «و احوال آن اگرچه در کتاب گزیده مشروح گفته‌ام».^۲

۲- ظفرنامه: این کتاب را مستوفی در سال ۷۳۵ یعنی پنج سال پس از تألیف تاریخ گزیده و پنج سال قبل از تألیف نزهةالقلوب در تاریخ از زمان پیامبر گرامی اسلام تا همان سال ۷۳۵ یعنی اواخر دوران سلطنت ابوسعید مغول در ۷۵ هزار بیت سروده که می‌توان گفت ذیلی است بر شاهنامه. از این هفتاد و پنج هزار بیت، یک سوم آن یعنی بیست و پنج هزار بیت تاریخ عرب، و بیست هزار بیت تاریخ سلاطین ایران و سی هزار بیت باقی مانده تاریخ مغول است. مستوفی برای خلق این اثر، پانزده سال زحمت کشیده چون در اواخر کتاب اشاره‌ای به چهل ساله بودن خود می‌کند.

این کتاب مانند تاریخ گزیده و نزهةالقلوب جایگاه خاصی در ادبیات ایران دارد. ظفرنامه گذشته از آن که در قسمت مغول مطالب ارزنده‌ای آورده، به علت وجود وزن و قافیه نیز از لحاظ ضبط و تلفظ اسامی تاریخی مغولی بی‌نهایت مهم و مفید است. این شاهکار به علت قلت نسخ خطی تاکنون چاپ نشده بود، اما در سنوات اخیر به همت پژوهشگران محترم پژوهشگاه علوم انسانی، زیر نظر استاد مهدی مدائنی قرار است در یازده جلد چاپ شود (تاکنون نه جلد آن به طرز آبرومندی آن طور که در شأن مستوفی و پژوهشگاه علوم انسانی است منتشر شده و بقیه در دست چاپ است). در همین کتاب نزهةالقلوب، مستوفی سه بار به ظفرنامه اشاره می‌کند:

«چنان که در سبب نظم کتاب ظفرنامه عذر خواسته‌ام».^۳

۱. کتاب حاضر، ص ۱۹۲.

۲. کتاب حاضر، ص ۷۹۹.

۳. کتاب حاضر، ص ۹۷.



و دوبار: «و من در ظفرنامه گفته‌ام».^۱

علامه فقید شیخ آغا بزرگ طهرانی این کتاب را در الذریعة معرفی فرموده‌اند.

۳- نزهة القلوب: درباره این کتاب بحثی مستوفی خواهد شد.

۴- نمودار الثواب: از این کتاب مستوفی در هیچکدام از منابع کتاب‌شناسی ذکر

نشده و خود مؤلف در نزهة القلوب دو بار به این کتاب اشاره کرده:

۱- و درین کتاب از آنچه از نقل کتب مذکوره از صور و اشکال و اعداد و اقدار و

اطوال و عروض و اسامی ثواب در کتاب نمودار الثواب مشروح کرده‌ایم شمه‌ای

بر سبیل اجمال و شیوة سیاق یاد کنیم.^۲

۲- و اسامی بروج و اطوال درین سال اربعین و سبع مائه هجری که تألیف این کتاب

است و عروض و اقدار مشاهیر کواکب چنان که در کتاب نمودار الثواب آورده‌ام

درین جدول نهادم.^۳

۵- مفاخر (مواخر) التواریخ. حاجی خلیفه از این کتاب نام برده و می‌گوید که

حمدالله این کتاب را در ۷۲۴ هجری قمری به زبان فارسی و در بیست و پنج باب

تألیف کرده بود؛ سپس تصریح می‌کند که ابواب و مطالب تاریخ گزیده افزون‌تر از

مفاخر التواریخ است. از آنجا که تاکنون نسخه‌ای از این کتاب شناسائی نشده است

نمی‌توان درباره آن به درستی نظر داد اما بعید نیست که کتاب یاد شده نسخه خردتر

همان تاریخ گزیده باشد.^۴

۶- تصحیح شاهنامه و مقابله نسخه‌های متعدد آن که اولین کار علمی او بوده است.

۱. کتاب حاضر، صفحات ۶۷۳ و ۷۲۱.

۲. کتاب حاضر، ص ۱۲۷.

۳. کتاب حاضر، ص ۱۶۳.

۴. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل مدخل حمدالله.

درباره نزهة القلوب

نزهة القلوب یکی از مهمترین (یا شاید مهمترین) دانش نامه‌ای است که تا قرن هشتم در ایران به زبان فارسی نوشته شده است. این کتاب را حمدالله مستوفی در سنین پختگی و پس از تألیف چهار کتاب مهم دیگرش (نمودار الثوابت، تاریخ گزیده، تصحیح شاهنامه، و ظفرنامه) نوشته، بنابراین از اعتبار و اهمیتی بیشتر برخوردار است. مستوفی در خطبه کتاب نزهة القلوب چنین می‌نویسد:

«اما بعد مسود اوراق این اطباق و مزین ظروف این حروف، اضعف عبادالله و احوجهم الی رحمة الله حمدالله بن ابی بکر بن حمدالله المستوفی القزوينی^۱ - بصّر الله بعیوب نفسه و جعل یومه خیراً من امسه - به حکم آن که، بیت:

فرزند همان کند به هر حال

کز مادر خویش و از پدر دید

از عنفوان شباب مسقاب (؟) نوایر اشتغال را بر متابعت کار آباء و اجداد یعنی شیوه عمل پیشگی اشتغال می‌داشت و همگی قصد و نیت از سر صفای طویت بر ملازمت جناب اعظم امرا و اکابر وزرا می‌گماشت، شعر:

اذا كنت لابد مستشرباً

فمن اعظم البحر فاستشرباً

صورت نصب العین داشته و حق الشمس لایخفی بکل مکان فرو نگذاشته چند گاهی نیز بر عزیمت طواف اقطار و اکناف امصار معنی الشمس بخاب السماء فریده به

۱. کت و کش: «حمدالله بن ابوبکر بن حمد مستوفی القزوينی»، لس: «حمدالله بن ابی بکر بن احمد المستوفی القزوينی»، مس: «حمدالله بن ابی بکر بن حمد مستوفی القزوينی»، مل: «رحمة الله بن اتابک بن حمدالله المستوفی القزوينی»، نش و حک ندارند.



اظهار رسانیده در اطراف بلاد فارغ از طراق و تلاد می‌گشت. زمانی با دل خسته بشکسته، بسته توزع و انقسام خود را^۱ به عسی و لعل متسلی می‌گردانید و زمانی بساط انبساط نشاط به حصول مطلوب و مقصود در عرصه شادکامی می‌گسترانید به تخصیص در خطه تبریز و بغداد و اصفهان و شیراز - حماهم الله تعالی مع سایر البلاد عن المکروهات - که هریک به حقیقت نسخه خلدبرین و نزهت نگارخانه چین بل بهشت روی زمین و مجمع اکابر ملک و دین و مکمن اهل یقین است، گاه زلیخاوار دست از آستین هوی و هوس برآورده به وصل یوسف مراد و مقصود، عزیز مصر کام و آرزو شده. عملهای^۲ صوری به حصول موصول می‌شد، و گاه یعقوب صفت پای عجز و ناکامی در دامن عزلت و عطلت کشیده به فرقت ابن یامین دلخوشی رفیق پیر کنعان بیت الاحزان اندوه و تیمار آمده املهای^۳ معنوی به حجاب تواری متواری می‌گشت. گاه بر قلل و شوامخ طور مقاصد و امانی به تجلی کشف رموز مسایل سبیل ید بیضای موسوی در برهان امور دنیوی می‌نمود، گاه بر دل^۴ طلاب معانی به بیان حل مشکلات جامع اصول، طریق دم عیسوی در احیای علوم اخروی می‌گشود یعنی از صحبت یاران استیناسی هرچه تمام‌تر می‌یافت و در حصول افادت و استفادت می‌شتافت و اکثر اوقات بر مطالعه کتب مواظبت می‌نمود و بر کلیات اغراض واقف شده حل فحای رموز و اشارات قانون شفا دل شیدا و ذخیره نجات بلا می‌بود و شعف بر مطالعه می‌فزود.^۵ بیت:

۱. نسخه نش این سه صفحه را ندارد.

۲. میج: «و آرزو و شدت عملهای».

۳. میج: «ابلهان».

۴. میج: «برطل».

۵. میج: «می‌فرمود».



زمانی بحث علم و درس تنزیل

که باشد نفس انسان را کمالی

زمانی شعر و شطرنج و حکایت

که خاطر را بُود دفع ملالی

تا نسخه صورالاقالیم به تصنیف ابی زید احمد بن سهل بلخی، و کتاب التبیان به تألیف احمد بن عبدالله، و مسالک الممالک به تألیف ابی القاسم عبدالله بن خردادبه خراسانی، و جهان نامه به تألیف....^۱ در نظر آمد و بر کیفیت صور و معانی آن اطلاع افتاد، هریک را به صورت هرچه زیباتر و معنی هرچه رعنا تر آراسته و پیراسته یافت، الفاظشان از معانی پاک تر و معانی از الفاظ نازک تر دید. سخنی در عذوبت چو ماء معین و تقریری در لطافت چون خلد برین و چون ایام جوانی دلگشا و چون آب زندگانی جانفزا، به بلندی رونق بازار فلک شکسته و به روانی از آب آبرو برده. اما چون به عربی ساخته اند اکثر اهل عجم را از آن زیاده حظی نبود و وصف تکوین کاینات و ایجاد موجودات و خلقت مخلوقات علوی و سفلی، و شرح ربع مسکون بر کیفیت موالید ثلاثه، و کمال وجود انسان، و وصف صورت و معنی ایشان، و شرح چگونگی ایران، و ذکر تاریخ عمارات بلاد و ولایات آن، و محصول ارتفاعات و طبایع و اشکال و ادیان سکان هر دیار، و مخارج انهار و عیون و آبار، و حیثیت بحار و قفار و جبال و سهال^۲، و کیفیت معادن، و کمیت مسافت و فراسخ طرق، و تقریر عجایب و تحقیق غرایب آن به تمام از هیچیک معلوم نمی شد بلکه هر وصفی ازین اوصاف در جائی می آید و از آن نیز بعضی قاصر بود، و یاران و دوستداران درخواست نمودند که چون بر احوال اکثر ایران واقفی، اگر این اوصاف به زبان

۱. مج و مل و کت و کش و مس سفید، لس: «به تألیف این کتاب»، نش: «به تألیف مؤلف این کتاب».

۲. مج: «شمال».



پارسی در مجموعه‌ای جمع رود و مجلس انس اصحاب را شمع شود و چون به تمام در قید کتابت آید همگنان را از آن فرح افزاید و ترا یادگاری نیکو و نامداری بی‌آهو باشد. گفتم^۱ اگر طبع وافی است از هزار یکی و از بسیار اندکی کافی است. مصرع:

در خانه اگر کس است یک حرف بس است

با وجود فصاحت و عبارات آبدار و استعارات نامدار از آن تصانیف معتبر و تألیفات مشتهر، الفاظ نابکار و گفتار ناهموار خود عرض کردن از بلاغت و وقاحت باشد، لطف فرماید و بدین معنی تکلیف منمائید و پرده بر کار این ضعیف پوشیده در رسوائی او نکوشید که گفته‌اند، بیت:

زبان بریده به کنجی نشسته صم بکم

به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم

یاران ازین معنی امتناعی هرچه تمامتر نمودند و درین صورت مبالغه عظیم فرمودند که ترا البته این بهانه نهفتنی و این التماس پذیرفتنی و این کتاب گفتنی و این نافه خوشبو شکافتنی و این جامه نیکو بافتنی و این ترانه شنفتنی و این گوهر سفتنی و این جامه نیکو بافتنی است، اگرچه به معنی صورت زمان عمر از آن عزیزتر است که در امثال چنین مهمات صرف شاید کرد. و حق سبحانه و تعالی می‌فرماید: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ^۲ و اگر کسی را زمان عمر وفا کند و توفیق رفیق گردد که از عهد آدم تا انقراض عالم طریق عبادت سپرد و یک سر موی از جاده شریعت نگذرد هنوز حق یک نعمت از صد هزاران نعم که حق تعالی به بنده ارزانی داشته نگذارد باشد چنان که در کلام مجید می‌آید: وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا^۳ بلکه

۱. مع: «گفتم».

۲. سوره مبارکه ذاریات، آیه ۵۶.

۳. سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۳۴، سوره مبارکه نحل، آیه ۱۸.



به حق یک جزو از صد هزار جزو حق حق این توفیق قیام ننموده بُود و به صورت
معنی گفتار ناسزای هرزه‌درای و بیان خودرای خود را به آن مفترعات دلگشا و
مبتدعات جانفزا جلوه دادن چنان که در سبب نظم کتاب ظفرنامه عذر خواسته‌ام عقل
رخصت نمی‌دهد، بیت:

که بیهوده زین در سخن گستم
همی زیره خیره به کرمان برم^۱
به پیش فروغ رخ مهر و ماه
چراغ زن ییوه آرم به راه
که بر سرو آزاد آرم گیا
خم آهن کنم یار با کیمیا^۲
به تحفه به دریا برم قطره را
فروشم به صراف خر مهره را
اما بنا بر گفتار شیخ سعدی شیرازی که گفته، شعر:
چو خشم آوری با کسی در ستیز
که از وی گزیرت بُود یا گریز
کنون چون شما را چنین است کام
نهادم در این کار فرخنده گام

و بقدر الوسع و الطاقة کما هو عادة اهل الفاقة در آن شروع نمود و بعض آن که در

۱. مل: «همی ریزه زیره به کرمان برم».

۲. مج این نیم بیت را ندارد، نش و کش: «گیا را کنم یار با کیمیا»، مس و لس: «خم آهن کنم یار با کیمیا»
ل و کت این بیت را ندارد.



آن کتب مسطور بود و دیگر کتابها چون طبقات همدانی به تألیف ابی عبدالله کاتب الواقدی، و عجایب المخلوقات به تألیف مولانا زکریا بن محمد بن محمود کمونی قزوینی، و آثار البلادهم به تألیف او، و فارس نامه به تألیف ابن البلخی کان مستوفیا بالفارس فی زمان السلطان محمد السلجوقی، و ذکر ولایت کرمان به تألیف خواجه ناصرالدین منشی کرمانی، و عجایب البحر به تألیف مولانا علی بن عیسی الحرانى للمقتدر، و آثار الباقیة به تألیف شیخ ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی منجم، و کتاب التفهیم فی التنجیم به تألیف او، و کتاب ارشاد در ذکر قزوین به تألیف امام جلیل حافظ خلیل قزوینی، و رساله ملکشاهی در وصف دیار سلطان ملکشاه سلجوقی در نظر آورده بود، و در تاریخ اصفهان به تألیف حافظ عبدالرحمان بن محمد اسحاق الاصفهانی، و رساله السنجرية فی الکائنات العنصرية به تألیف شیخ عمر سهلان ساوجی، و عجایب الاخبار به تألیف...^۱ و تحفة الغرایب به تألیف...^۲ و صورالکواکب به تألیف شیخ ابوالحسن صوفی^۳ به عهد عضدالدوله دیلمی، و تاریخ مغرب به تألیف... و اخلاق ناصری به تألیف استادالحکما خواجه نصیرالدین طوسی، و تنسیخ نامه ایلخانی هم به تألیف او، و دیگر کتب تفسیر و فقه و اصول کلام و فلاحات و غیر آن که هریک به وقت حاجت می آمد مسطور بوده و برخی آن که برای العین مشاهده نموده و چندی که از روات معتمدالقول شنوده بقدرالحصول بالایجاز و الاختصار در سلک کتابت کشید و آن را «نزهة القلوب» نام نهاده. امید به فضل و کرم بزرگان و ارباب فضایل که این کتاب به نظر شریفشان مشرف خواهد شد آن که از روی محاسن شمایل بعین الرضا ملاحظه فرمایند و اگر بر خطا و زللی وقوف یابند

۱. همه نسخه ها بجز حک سفید است.

۲. همه نسخه ها بجز حک سفید است.

۳. حک: «عجایب الاخبار و تحفة الغرایب و صورالکواکب به تألیف شیخ ابوالحسن صوفی».



به حکم، بیت:

إذا احسست من لفظی فتوراً

و خبطی فی البلاغة والبيان

فلا تثرب لفهمی ان رفضی

على مقدار ايقاع الزمان

آن را از پریشانی خاطر به کثرت وقوع حوادث روزگار غدار و تراکم خسارات و زحمات بی شمار که از گاه وفات سلطان ابوسعید بهادرخان - انارالله برهانه - واقع می شود شمارند نه از قلت بضاعت انگارند. بیت:

ز آن که اندر حکمت و منطق، معانی و بیان

در نجوم و طب و فقه و شعر و اخبار و کلام

گر فزون از همسرانم نیستم کم هم نیم

قدرتم داند دییر این سپهر سبزفام

و بزرگی فرموده بر مؤلف از آن خرده نگیرند و به شرف اصلاح مشرف گردانند و به دعای خیر مدد فرستند. بیت:

مگر کز دم پاکشان کردگار

بیخشد گناهان این خیره کار

ان شاء الله تعالی.

در خاتمه کتاب این گونه معذرت می خواهد:

«بر رای روشن و ضمیر گلشن ارباب فطنت و اصحاب خبرت، اعنی منشیان کلام نظم و نثر، و منهیان ایام جد و هزل - اعلی الله تعالی مکانهم و صانهم عن المکروهات فی شأنهم - که این کتاب به نظر مبارکشان مزین و مشرف گردد پوشیده نماند که در



ترکیب اجتماع این عرایس و ترتیب اختراع این نفایس با وجود کثرت وقوع حوادث و انقلابات متنوعه و تشویشات و زحمات متفرقه که از تواتر نکبات و تکاثر بلیات جهان عموماً و خصوصاً از سعایت خویشان بیگانه روی و رکایت دوستان دشمن خوی، فوج فوج کراً بعد اخروی و ثانیة بعد اولی بر بدن ستم دیده و روان رنج کشیده وارد می‌شد، و اصناف اعراض و انواع امراض نازل می‌گشت چنان که اسباب حصرش نامعین و ابواب عدش نامیین بود، خاطر خسته و طبیعت شکسته بسته مردی عمل پیشه چه اندیشه تواند کرد؟ و از قوس قسی ضمیر به دفع لشکر نوایب، چند تیر صوایب صایب را به پرتاب رساند؟ و از صبابه^۱ روح قدسی، جانهای احبا و دوستان را چه شراب ناب چشانند؟ و درین تنگی امن و امان و فراخی وقوع حدثان، دل را هوای تألیف و جان را پروای تصنیف چگونه بود؟ اما چنان که آید، نه چنان که باید سلطان نفس ناطقه را تحریک داده تا شهسوار عقل را بر رخسرخشان خوش خرام، و بُراقِ براقِ تیز گام فکر نشانیده در تحصیل به گرد الفاظ پسندیده و اطراف معانی گردیده، و در فراز و نشیب دیار بلاغت روان کرده و برکشور فصاحت، تاختهای مردانه آورده و طریق مردی و مردانگی سپرده تا عروس مراد را در کنار امید آورد. و با آن که تمکن و استقرار نداشت چون توفیق رفیق دید و فرصت غنیمت شمرد و از کرم باری یاری خواست، و در شرح اعراض اسباب علامات و حل فحای مشکلات رموز و اشارات معانی و بیان کتابهای این فنون، غایت مساعی جمیله مبذول داشت و نقش صورت و معنی آن را در دواوین حسن کلام و دفاتر لطف مقام بر آئینه ضمیر نگاشته از قوت به فعل آورده و از حیز بیان به منصه لسان رسانیده، و بنیادی بدین محکمی که رشک هرمان و بروج مشیده، و اساسی بدین معظمی که غیرت سدید و خورنق، و

۱. م: «و از صهبای»، کش: «و از صیانت»، نش: «صبابه». صبابه = عشق و شوق، سوزش عشق، تنگدلی از عشق، آزمند گشتن.

بنائی بدین دلکشی که طمیره قصر غمدان و عمود صوارم است، بل ایوانی بدین رفیعی که طاق کسری به جنبش نزیبید، و میدانی بدین وسیعی که تیه موسی از بزرگیش نشکاید ظاهر کرد، و کتابی بدین کاملی که جامع اصول توجیهات مفردات قوانین این علوم است به لطایف نکت و غرایب نتف وضع کرده محرر گردانید، و به هدایت حق، مجمل و مفصل آن را کفایت کرده به درر غث و ثمین و غرر ساده و رنگین مستشهدات اخبار و امثال و اشعار ترصیع و تزئین نمود، هر چند معنی بیت:

دلم چه خون جگر خورد تا بدانستم

که آدمی ز چه پیدا شد و پری ز چه زاد

صورت حال من است.

اما غرض بنده ازین تمهیدات، اظهار هنروری و افشای سخن گستری نیست بلکه مقصود کلی و غرض حقیقی من از ترتیب این ترکیب آن است که به قدر، فایده به اصحاب طلاب معرفت این اقسام رسد، چه در تصحیح این روایات و تنقیح این مقالات به قدر وسع کوشیده است و هیچ دقیقه‌ای از دقایق تفتیش و تحقیق نامرعی نگذاشته و هر آنچه شائبه خلاف و گزاف داشت گذاشته و هر چه به مصدق نزدیک و در عقول، مقبول و درفتوت، معقول بود و در چند کتاب مسطور بود درین صحیفه نگاشت. بیت:

مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت

کند در حق این مسکین دعائی

زیرا که به حکم آن که گفته‌اند: من صنف کتاباً فقد استهدف، فان احسن فقد استشرف استعطف، و ان اساء فقد استنفذ و ائتم و ملتمس که ناظران این منظور و طالبان این مطلوب چون در چهره ناز پرورد این دوشیزه پرده خیال نگرند اگرچه از حلی و حلل عبارت مستعار که به حقیقت افسون فریب خریدار است خالی است و از



کلفت تکلف معرا و از شائبه ریب مبرا است و خردمندان به زیور مزور و پوشش مزخرف^۱ ملتفت نباشند، بل آن را فضااحت شمارند، به حکم خیر الکلام مالم یکن متورعاً وحشياً ولا سقطاً متاعاً یعنی لایکون البلیغ حتی یکون کلامه یعنی اسبق الی مهمک من لفظ الی سمعک و منه حسن، بحمدالله تعالی که حسن صورت ما در کمال دارد و لطف معنی حسن افزائی زاید از حد مقال بعین الرضا نگرند، و از روی سخط به معنی تأمل العیب عفت، به ملامت، پرده عفتش ندرند و بزرگی فرموده بر زحف و عجزی که در لفظ و معنیش رؤیت دهد خرده نگیرند و درین صورت و معنی، بیت:

چون گل تازه خطاهاش بر انگشت مگیر

مجمر آساش فرو گستر دامان بر سر

و فرضاً اگر خطائی نیز رو نموده و نیز باشد بدین اعذار واضح و موانع لایح که از تراکم وقوع حدثان مشاهد و معاین است معذور دارند، بل به مقتضی انما یخلوالبیان عن نسیان و علم عن طغیان ذیل عفو و اغماض بر هفوات و عثرات تقریر و تحریرش پوشانیده اصلاحی که واجب بینند به تقدیم رسانند تا عندالله و عندالناس محمود افتد و ثوباتش ایام همایون و روزگار میمون ایشان را مذخر ماند و برکات انفاس شریفشان، بیت:

اگر آن که خواند ز پروردگار

به آمرزش من شود خواستار

به دلیل آن که گفته‌اند که هیچ فرزندی نامی تر و باقی تر از آثار هنر نیست و حضرت رسول - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمود: اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا ببق

ثلاثة: صدقة جاریة، و علم ینتفع به، و ولد صالح یدعواله، و این نتایج خاطر که زادگان جان و ولدند لاشک باقی تر و نامی تر از فرزندان آب و گل اند و به دو صفت ازین سه گانه که متصف حقیقت است بر حسب فرموده حق - سبحانه و تعالی - که سبقت رحمتی غضبی حق تعالی مرحمت فرموده که از اقوال و افعال و اعمال این بیچاره آمده است به حکم حدیث ان الله رفع عن امتی الخطا والنسیان و ما یوسوس به صدورهم بدان بزرگان بخشد و او را در زمره سعدا آرد ان شاء الله تعالی و حده العزیز. زیرا که در فیض فضل یزدانی و سعت رحمت رحمانی انتخابی زیادت از آن که از رقم عفو بر جراید جرایم جمیع عاصیان کشیدن تفاوتی پذیرد».

* * *

نزهة القلوب دانش نامه ای است در یک مقدمه، سه مقاله، و یک خاتمه.

مقدمه در نجوم و تاریخ اسلام و طول و عرض جغرافیائی و تقسیم کشورها به هفت اقلیم است.

مقاله اول در کانی شناسی، گیاه شناسی و حیوان شناسی است.

مقاله دوم که در زمینه خود یکی از شاهکارها است درباره انسان به معنی کلی آن است. تشریح و طب و اخلاق و خصایل و رذایل و اعتقادات و هر چه به آدمی مربوط است.

مقاله سوم در تاریخ و جغرافیا،

و خاتمه این کتاب در عجایب و غرایب است.

متأسفانه در اکثر منابع، ارزش والای این کتاب را در حد متنی تاریخی جغرافیائی تنزل داده اند حتی استاد بزرگوار دکتر سید محمد دبیر سیاقی در مقدمه ای که بر نیمه مقاله سوم این کتاب مرقوم فرموده اند نوشته اند: «نزهة القلوب را در شمار چند کتاب



نادر گرانبهائی دانسته‌اند که دربارهٔ جغرافیا به زبان شیرین فارسی تألیف شده^۱. همین کم‌لطفی را استاد فقید دکتر عبدالحسین نوائی در مقدمهٔ تاریخ‌گزیده دربارهٔ نزهة القلوب فرموده و نوشته‌اند: «نزهة القلوب کتاب نفیس و ممتعی است در جغرافیا و علم هیئت و عجایب عالم»^۲! درحالی که نزهة القلوب کتابی جامع‌تر از این فرمایشات است.

بهترین تعبیر را از این کتاب، دائرةالمعارف بزرگ فارسی کرده که نوشته: «نزهة القلوب اثری چنددانشی است و باید آن را مفصل‌ترین و مهمترین تألیف حمدالله مستوفی دانست»^۳. استاد فقید سعید نفیسی هم مرقوم فرموده‌اند: «نزهة القلوب در طبیعیات و جغرافیا و در عجایب البلدان است که مستوفی در ۷۴۵ مشغول تألیف آن بوده^۴ و مهمترین کتاب جغرافیا در زبان فارسی است»^۵. استاد فقید عباس اقبال آشتیانی هم فرموده‌اند: «نزهة القلوب در مقام خود از کتب معتبره است، چه علاوه بر انشاء روان متین درباب ایران و احوال ممالک مجاور آن مقارن نیمهٔ اول قرن هشتم هجری، حاوی اطلاعات نفیسی است»^۶.

نزهة القلوب علاوه بر جنبهٔ نجوم و طب و تاریخ و جغرافیا، گنجینهٔ ارزنده‌ای است از اشعار فارسی و عربی، روایات، احادیث، امثال فارسی و عربی، لغات نادر و... خود مؤلف در علمی که در این کتاب از آنها بحث شده چنین می‌گوید:

۱. بخش نخست از مقالهٔ سوم نزهة القلوب، ص سه.

۲. تاریخ‌گزیده، مقدمه، ص ید.

۳. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تحت عنوان حمدالله.

۴. صحیح آن است که از ۷۳۸ تا ۷۴۰ مشغول تألیف آن بوده و در ۷۴۰ تألیف آن تمام شده است.

۵. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ص ۱۴۴.

۶. تاریخ مغول، ص ۵۲۵.



ز آن که اندر حکمت و منطق، معانی و بیان

در نجوم و طب و فقه و شعر و اخبار و کلام

گر فزون از همسرانم نیستم کم هم نیم

قدرتم داند دیبر این سپهر سبزه فام^۱

مستوفی از سال ۷۳۸ تا ۷۴۰ هجری قمری به تألیف نزهة القلوب اشتغال داشته و

چندین بار در سراسر کتاب به این تاریخها چنین اشاره می کند:

۱- در این سال اربعین و سبع مائه هجری که تألیف این کتاب است.^۲

۲- و درین تاریخ که سنه اربعین و سبع مائه هجری است.^۳

۳- و اکنون شمار سالهاش گفته شد که در هفتصد و چهل است.^۴

۴- و امسال که سنه اربعین و سبع مائه هجری است.^۵

۵- و از آن زمان (ثلاث و ستین و ست مائه) تاکنون هفتاد و پنج سال شمسی است.^۶

مستوفی در چند مورد می نویسد: «و غرض از تألیف این کتاب شرح احوال

ایران است».^۷

۱. کتاب حاضر، ص ۹۹.

۲. کتاب حاضر، ص ۱۶۳.

۳. کتاب حاضر، ص ۱۲۰.

۴. کتاب حاضر، ص ۱۹۰.

۵. کتاب حاضر، ص ۲۱۹.

۶. کتاب حاضر، ص ۱۲۷.

۷. کتاب حاضر، ص ۷۲۷ و ۷۵۷ و ۹۸۶ و ۱۰۳۱ و ۱۰۴۸.



یکی از امتیازات نزهةالقلوب آوردن شعر از اشعار شعرای گذشته است. مصحح تا آنجا که توانست این اشعار را با دواوین چاپ شده بعضی از شعرا مقابله کرد اما ضبط نسخه‌های خطی را در متن آورد و ضبط دیوانهای چاپی را در پاورقی. شعرا و تعداد اشعاری که در نزهةالقلوب آمده چنین است:

از انوری چهار بیت

از سعدی سی بیت

از مولوی یک بیت

از بندار رازی سه بیت

از فردوسی چهارده یا بیست بیت

از منوچهری بیت

از ظهیر فاریابی سه بیت

از ابوطاهر خاتونی سه بیت

از ناصر خسرو پنج بیت.

از خود مستوفی هیجده بیت

از صالح بن عبدالقدوس سه بیت

از امام‌الدین رافعی قزوینی چهار بیت

از شمس‌الدین ایوب طاووسی قزوینی دو بیت

از طاهر مؤمنی قزوینی دو بیت

از مجدالدین کرخی قزوینی

از جلال‌الدین رستق القطن قزوینی دو بیت

از سنائی چهار بیت

از فخرالدین عراقی دو بیت



از جمال الدین گیل	بیت
از قاضی ناصرالدین اردیلی	بیت
از جلال الدین عتیقی تبریزی	یک بیت
از عنصری	یک بیت
از منصور حلاج	سه بیت
از یحیی معاذ رازی	یک بیت
از کمال الدین اسماعیل اصفهانی	دو بیت
از اثیرالدین اومانی	یک بیت
از نجیب الدین جربادقانی	
از همام تبریزی	
از ابراهیم طائی	
از ابراهیم بن حسان	
از بحتری	
از نظامی گنجوی	
از خواجه نصیرالدین طوسی	دو بیت.

علاوه بر نقل این اشعار از شعراء، اشعار دیگری هم در این کتاب آمده که بدون نام شاعر است.

مطلبی که قابل تأمل است انتساب شعر معروف «دوستدار پسر هند مگر نشیدی» است به میر محمود ابن یمین.^۱ در حالی که تاکنون این شعر از سنائی دانسته می شد و در دیوان سنائی هم چاپ شده.

مستوفی در نزهة القلوب راجع به مغول دو دیدگاه متفاوت دارد. گاهی آنان را